

حکم بیتوته در مشعر بعد از نیمه شب

مهدي ساجدي*

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی حکم بیتوته در سرزمین مشعر، بعد از نیمه شب پرداخته است. این پژوهش که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با تحلیل ادله صورت گرفته، نشان می‌دهد که وقوف واجب در مشعر به عنوان یکی از اجزا و مناسک حج، همان وقوف بین الطلوعین است و این حکم، بین اصحاب، اجماعی است. اما حکم بیتوته شبانه در مشعر، قبل از طلوع فجر، مورد اختلاف است؛ برخی از فقهای گذشته و معاصر، سپری کردن شب در مشعر را واجب ندانسته‌اند و ادله فقها برای اثبات وجوب میبت مشعر را کافی نمی‌دانند. برخی در این باره، حکم به احتیاط کرده‌اند. اما از ظاهر عبارت بیشتر فقها وجوب میبت در مشعر استفاده می‌شود. ادله قابل اعتمادی که حکم وجوب میبت در مشعر را می‌تواند پشتیبانی کند، تأسی به سیره پیامبر خدا ﷺ و معصومین علیهم‌السلام و روایاتی است که برای زنان، کوچ شبانه به منا را مجاز شمرده است.

کلمات کلیدی: بیتوته، مشعر، وقوف، طلوع فجر، سیره

یکی از اعمال و مناسک واجب در حج، وقوف در سرزمین مشعر الحرام است. خداوند متعال در آیه شریفه ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ (بقره: ۱۹۸)، حجاج بیت الله الحرام را پس از کوچ از عرفات، به ورود در این سرزمین امر کرده است. طبق فتوای مشهور فقها، حج گزار پس از وقوف در عرفات، شب را در مشعر می ماند تا زمان وقوف واجب اختیاری بین الطلوعین را درک کند. اما پرسشی که در این مجال مطرح می شود این است که آیا بیتوته در مشعر از نیمه شب تا طلوع فجر، واجب است یا نه؟

عبارات فقیهان متقدم که وقوف در مشعر را بعد از طلوع فجر دانسته اند، ظهور دارد در اینکه وقوف واجب، منحصر در وقوف بین الطلوعین است؛ از باب نمونه محقق حلی رحمته الله علیه در بیان واجبات مشعر فرموده است:

«وَأَنْ يَكُونَ الْوُقُوفُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَلَوْ أَفَاضَ قَبْلَهُ عَامِداً بَعْدَ أَنْ كَانَ بِهِ لَيْلاً وَ لَوْ قَلِيلاً لَمْ يَبْطُلْ حَجَّهُ إِذَا كَانَ وَقَفَ بَعْرِفَاتٍ وَ جَبْرَهُ بِشَاةٍ» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۱).

از جمله واجبات مشعر این است که بعد از طلوع فجر در آنجا وقوف داشته باشد، پس اگر عمداً بعد از توقف شبانه و لو کم، قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند حجتش باطل نمی شود به شرط آنکه در عرفات وقوف داشته باشد و باید برای جبران کوچ قبل از طلوع فجر، گوسفندی را قربانی کند.

صاحب مدارک رحمته الله علیه نیز در شرح این فقره از عبارات شرایع فرموده است:

قوله: «وَأَنْ يَكُونَ الْوُقُوفُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ». هذا الحكم مجمع عليه بين الأصحاب، و يدل عليه مضافاً إلى التأسى، قوله عليه السلام في صحيحه معاوية بن عمار: «أَصْبَحَ عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ...» و ليس في العبارة دلالة على وجوب المبيت بالمشعر». (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۴۲۳)

این حکم (وجوب وقوف در مشعر بعد از طلوع فجر) بین اصحاب، اجماعی است و دلیل دال بر آن، علاوه بر تأسی به فعل نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام، صحیح معاویه بن عمار است که امام علیه السلام می فرمایند: «أَصْبَحَ عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ...» و در عبارت مصنف (محقق حلی) مطلبی دال بر وجوب وقوف شبانه در مشعر وجود ندارد.

ایشان، وجوب بیتوته شبانه در مشعر را از ظاهر عبارت اکثر فقها قابل استفاده دانسته و در عین حال از جناب علامه حلی در تذکره قول عدم وجوب را نقل می‌کند؛ اما در نهایت اعتقاد ایشان بر این سامان می‌یابد که قول اصحّ، وجوب میت در مشعر است و برای این وجوب ادله‌ای را بر می‌شمرد.^۱

همان‌گونه که از قول صاحب مدارک^۲ اشاره شد، از کلمات اکثر فقها چنین استفاده می‌شود که بیتوته در مشعر واجب است.

شیخ طوسی در مبسوط بعد از تعیین محدوده مشعر فرموده است:

«و لا ینبغی أن یقف إلا فیما بین ذلك فإن ضاق علیه الموضع جاز أن یرتفع إلى الجبل. فإذا أصبح یوم النحر صلی الفجر و وقف للدعاء إن شاء قریبا من الجبل و إن شاء فی موضعه التي بات فیها» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸).

«برای حج گزار سزاوار نیست که خارج از این محدوده در مشعر توقف داشته باشد؛ مگر اینکه مکان ضیق باشد و زمانی که صبح عید فرارسید، نماز صبح را به جای آورد و نزدیک کوه یا در محلی که شب را به صبح رسانده است، برای دعا توقف کند.»

شیخ مفید فرموده است:

«و لا یصل المغرب لیلة النحر إلا بالمزدلفة و إن ذهب رُبُع اللیل فإذًا نزل لمزدلفة صلی بها المغرب و العشاء الآخرة بأذان و إقامتین... فإذا أصبح یوم النحر فلیصل الفجر و لیقف کوقوفه بعرفة» (مفید، المقنعه، ص ۴۱۶).

«و نماز مغرب شب عید را تنها در مشعر به جا آورد؛ هر چند یک چهارم شب نیز رفته باشد. هنگام فرود آمدن در مشعر نماز مغرب و عشا را با اذان و دو اقامه بخواند. زمانی که روز عید فرارسد، نماز صبح را بخواند و مانند وقوف در عرفه، در مشعر توقف کند.»

صاحب جواهر نیز میت در مشعر را واجب دانسته و ادله وجوب را چنین برشمرده است:

«یقوی وجوبه أيضا کما عن ظاهر الأكثر للتأسی، و قوله^۳ فی صحیح معاویة: «و لا تتجاوز الحیاض لیلة المزدلفة» بل لعل صحیحة الآخر المتقدم سابقاً دال علیه أيضا، بل ربما ظهر منه المفروغية من ذلك، کظهورها من غیره من النصوص» (نجفی، بی تا، ج ۱۹، ص ۷۳).

۱. «و ظاهر الأكثر وجوبه، و قال فی التذکره: إنه لیس بواجب. و الأصح الوجوب، للتأسی، و قوله^۴ فی صحیحة معاویة: و لا تتجاوز الحیاض لیلة المزدلفة» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۴۲۳).

«قول به وجوب میبت در مشعر، همان گونه که از ظاهر عبارت اکثر فقها استفاده می شود، قوی است؛ به دلیل تأسی به فعل نبی گرامی اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام و قول امام علی (ع) در صحیح معاویه بن عمار و حماد از حلبی از امام صادق (ع) که حضرت فرمود: «شب مشعر از حیاض (مرز مشعر) عبور نکن»، بلکه شاید صحیح دیگر معاویه بن عمار که براساس آن حضرت فرموده است: «صبح کن بر طهارت بعد از اینکه نماز صبح را به جای آوردی ...» نیز بر این وجوب دلالت داشته باشد. بلکه چه بسا در این حدیث، وجوب میبت، مفروغ عنه انگاشته شده کما اینکه ظهور در مفروغ بودن وجوب از سایر نصوص نیز فهمیده می شود.»

تتبع در کلمات فقیهان متأخر و معاصر از تمایل آنان به پذیرش قول وجوب یا حداقل رعایت احتیاط در این باره حکایت دارد؛ برای نمونه محقق خوئی میبت در مشعر را در شب عید قربان مطابق با احتیاط می داند.^۱ (خوئی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۱). امام خمینی و آیت الله فاضل نیز زمان وجوب و قوف در مشعر را بین الطلوعین می دانند؛ اما در عین حال در مورد و قوف شبانه در مشعر، حکم به احتیاط واجب کرده اند.^۲ آیت الله سیستانی و آیت الله صافی هم و قوف مقداری از شب عید تا صبح را در مشعر الحرام واجب دانسته اند. (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۳۸۳؛ صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۷۴).

بررسی ادله دال بر وجوب میبت در مشعر

از مطالبی که در اثنای کلام فقها بیان شد، ادله وجوب میبت در مشعر معلوم گردید که می توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد: مطالعات فرنگی

۱. تأسی به فعل پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام؛
البته ممکن است گفته شود فعل معصومین علیهم السلام اعم از وجوب است، بنابراین، نمی تواند دلیلی بر وجوب میبت در مشعر باشد. این سخن گرچه مورد پذیرش است، اما به نظر می رسد در خصوص محل گفت و گو، فعل معصومین علیهم السلام، قرینه بر وجوب را به همراه دارد؛

۱. خوئی، مناسک الحج، ص ۱۶۱.

۲. «يجب الوقوف بالمشعر من طلوع الفجر من يوم العيد إلى طلوع الشمس، وهو عبادة يجب فيه النية بشرائطها، والأحوط وجوب الوقوف فيه بالنية الخالصة ليلة العيد» (خمینی، تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۴۱).

«الأحوط وجوب الوقوف فيه بالنية الخالصة ليلة العيد». (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۱۳).

زیرا مفروض این است که معصوم علیه السلام در صدد تبیین عملی چگونگی به جا آوردن واجبات حج است و اگر انجام دادن عملی مستحب باشد، لازم است معصوم علیه السلام آن را بیان کند تا تأخیر بیان از وقت حاجت لازم نیاید.

گفتنی است برخی از فقهای معاصر که تأسی به فعل معصوم را دلیل بر وجوب میت در مشعر ندانسته‌اند، وجوب وقوف در عرفات تا غروب آفتاب و عدم جواز کوچ قبل از غروب را از تمسک به تأسی به فعل معصوم نتیجه گرفته و چنین نگاشته‌اند:

«كانت قریش في العصر الجاهلي يفيضون من عرفات قبل مغيب الشمس تكبراً و تبجحاً لكي لا يرافقوا العشائر العربية الأخرى الذين يرحلون بعد الغروب، و خالفهم النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بالإفاضة بعد غروبها و العمل و إن كان لا يدل على الكيفية من الوجوب و النذب لكن النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - لما كان بصدد بيان معالم الحج و أحكامه، فاللزام الأخذ بعمله إلا إذا دل الدليل على خلافه» (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۶۰).

«قریش در زمان جاهلیت به سبب تکبر و فخر فروشی، قبل از غروب خورشید از عرفات کوچ می کردند تا با دیگر عشایر عرب که بعد از غروب آفتاب کوچ می کردند، همراه نشوند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای مخالفت با آنان، بعد از غروب از عرفات به سمت مشعر حرکت کردند. عمل معصوم علیه السلام گرچه بر کیفیت عمل؛ یعنی وجوب یا استحباب دلالت ندارد، اما چون رسول الله صلی الله علیه و آله در صدد بیان معالم و احکام حج بوده‌اند، لازم است به روش ایشان تمسک شود؛ مگر دلیلی بر خلاف آن دلالت کند.»

۲. صحیحہ معاویة بن عمار و حماد از حلبی از امام صادق علیه السلام:

«لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَأْتِيَ جُمُعًا فَتُصَلِّيَ بِهَا الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ أَنْزَلَ بِبَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيبًا مِنَ الْمُشْعَرِ وَ يَسْتَحَبُّ لِلصَّرْوَةِ أَنْ يَقِفَ عَلَى الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ وَ يَطَّاهُ بِرِجْلِهِ وَ لَا يَجَاوِزِ الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُرْدَلِفَةِ» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۴۶۸).

«نماز مغرب را نخوان تا به جمع (نام دیگر مشعر) بیایی. پس در آنجا نماز مغرب و عشا

را با یک اذان و دو اقامه به جای آر و در میان آن سرزمین از جهت راست مسیر، نزدیک به کوه فرود بیا و برای کسی که حج را اولین مرتبه انجام می‌دهد، مستحب است با قدم‌های خود بر کوه در مشعر بایستد و نباید شب مشعر از حیاض (مرز مشعر) بگذرد.»

وجه استناد به روایت این است که نهی از عبور از مشعر و حرکت به سمت منا فرع توقف و بودن در مشعر است. بنابراین، چنین استفاده می‌شود که زائر باید شب هنگام در مشعر بماند. برخی از مراجع معاصر در بررسی و نقد استناد به این روایت نوشته‌اند:

«... فانه يستفاد منه عدم التجاوز عن الحياض و لازمه المبيت فيها الى طلوع الفجر و أوجب عنه بأنه غير معمول به بظاهرة لان التجاوز عن الحياض ليلة العيد قليلا ثم الرجوع الى المشعر جائز بالضرورة و من قال بوجوب المبيت لا يمنع عن هذا المقدار من التجاوز، فالتجاوز عن الحياض بهذا العنوان و مستقلا غير منهي عنه قطعا و يمكن ان يكون النهي عن التجاوز ارشاديا لئلا يقع في معرض فوت المشعر، مضافا إلى أنه لا يدل على وجوب المبيت حتى مع قطع النظر عن ذلك، فان النهي عن التجاوز عن الحياض يمكن امثاله و إن بقي طائفة من الليل أو إلى طلوع الفجر خارج المشعر في طريق عرفة و المزدلفة» (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۷۴).

«از روایت استفاده می‌شود که مکلف نباید از مرز مشعر بگذرد و لازمه عدم عبور از مرز، بیتوته در مشعر تا طلوع فجر است. در جواب این استدلال گفته شده که به ظاهر روایت عمل نشده است؛ زیرا اگر مکلف مدت کوتاهی از مرز مشعر عبور کند و سپس به مشعر بازگردد، بالضروره جایز است و کسانی که به وجوب مبيت در مشعر قائل‌اند، این مقدار عبور را جایز می‌دانند؛ از این رو گذر از مرز مشعر با همین عنوان و مستقلاً، به‌طور قطع مورد نهی نیست. ممکن است نهی از عبور، ارشادی باشد تا مکلف وقوف در مشعر را از دست ندهد. علاوه بر این، حتی با قطع نظر از این اشکال، نهی از عبور از مرز مشعر، دال بر وجوب بیتوته نیست؛ زیرا امکان امثال این نهی وجود دارد، حتی اگر مکلف مقداری از شب یا تا طلوع فجر در خارج مشعر در راه عرفة یا مشعر بماند [چون در این فرض هم از مرز (حیاض) عبور نکرده است].»

ایشان در ادامه با رد استدلال یاد شده، دلالت روایت بر وجوب مبیت را پذیرفته و فرموده است:

«و فيه أن الانصاف انه لا يجوز رفع اليد عن دلالة الحديث على وجوب كونه في الليل في المشعر و الظاهر ان معنى «لا تجاوز الحياض» الحكم بالبقاء في المشعر تمام الليل و عدم الخروج عن حدوده و هذا لا ينافي الخروج قليلاً و الرجوع إليه» (همانجا).

«معنای عدم تجاوز از مرز مشعر این است که مکلف باید تمام شب را در مشعر بماند و از مرز مشعر خارج نشود و این مطلب با خروج کوتاه مدت مکلف از مشعر و بازگشت دوباره منافات ندارد.»

به نظر می‌رسد نهی از عبور از مرز مشعر با بیتوته شبانه در مشعر هیچ ملازمه‌ای نداشته باشد و آنچه عرف از این نهی می‌فهمد، این است که حرکت شبانه به سمت مناجیز نیست و در مسیر کوچ از سرزمین عرفات به سمت مناجیز انجام دادن مابقی مناسک، نهایتاً مجاز است تا سرزمین مشعر مجاز کوچ کند و نباید کوچ کردن را قبل از فرارسیدن طلوع آفتاب ادامه دهد؛ به عبارت دیگر آنچه مهم است عدم عبور از مرز است، به گونه‌ای که حرکت و عبور بخواهد ادامه کوچ به سمت مناجیز محسوب شود؛ و گرنه روشن و معلوم است که گذر کوتاه مدت از مرز و بازگشت به مشعر عرفاً مخالفت با نهی محسوب نمی‌شود.

برخی دیگر از مراجع معاصر در رد دلیل مزبور نگاشته‌اند:

«يلاحظ عليه: أن الحديث ورد على وفق السيرة المستمرة للحجاج فإن الأغلبية لولا الجميع يفيضون من عرفات إلى المشعر و يبيتون فيه للاستعداد للوقوف بين الطلوعين، ففي هذا الظرف ينهاه الإمام عن تجاوز الحياض التي هي بمعنى مجتمع الماء و خارجه عن المشعر. ففي صحيح معاوية بن عمار قال: حدّ المشعر الحرام من المأزمين إلى الحياض، إلى وادي محسر. و على هذا فلا تدل على لزوم المبیت» (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۴۰۲).

«اشکال وارد بر استدلال به روایت این است که روایت بر طبق سیره مستمر حجاج وارد شده است، چه اینکه غالب حجاج - اگر نگوئیم همه حجاج - از عرفات به مشعر کوچ می‌کنند و در سرزمین مشعر بیتوته دارند تا برای وقوف بین الطلوعین

آماده باشند. از این رو، در این ظرف، امام علیه السلام حجاج را از عبور از حیاض که به معنای محل جمع شدن آب و خارج از مشعر است، نهی کرده‌اند. لذا در صحیحہ معاویة بن عمار از امام علیه السلام چنین نقل شده است:

«حد مشعر از مازمین تا حیاض تا وادی محسّر است.» بنابراین، روایت مزبور بر لزوم مبیت در مشعر دلالت ندارد.»

به نظر می‌رسد این کلام، هرچند از جهت عدم استفاده و جوب مبیت از نهی در روایت، قابل پذیرش است، اما خالی از ملاحظه نیست؛ چه اینکه سیره مستمر حجاج، در صورتی که برگرفته از سیره معصومین علیهم السلام باشد، می‌تواند و جوب مبیت در مشعر را اثبات کند؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، سیره نبوی و سایر معصومین علیهم السلام در ادای مناسک حج، بر تبیین و تعلیم فعلی واجبات، استوار شده است؛ مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد.

۳. صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام :

«رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَصْبَحَ عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ فَقَفَ إِنْ شِئْتَ قَرِيباً مِنَ الْجَبَلِ وَ إِنْ شِئْتَ حَيْثُ تَبَيْتَ فَإِذَا وَقَفْتَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ... ثُمَّ أَفْضُ حَيْثُ يُشْرِقُ لَكَ بُيْرٌ وَ تَرَى الْإِبِلَ مَوَاضِعَ أَخْفَافِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۱).

«صبح کن بر طهارت، بعد از اینکه نماز صبح را به جا آوردی. پس اگر خواستی، نزدیک کوه بایست و اگر خواستی، در جایی که شب را به صبح رسانده‌ای... سپس از مشعر کوچ کن، زمانی که خورشید طلوع می‌کند و شتر جای پایش را می‌بیند.»

وجه دلالت روایت مزبور بر وجوب مبیت در مشعر این است که در این روایت، بیتوته شبانه مفروغ عنه گرفته شده است.

به نظر می‌رسد مفروغ عنه بودن بیتوته، دلیلی بر وجوب مبیت به شمار نمی‌آید، بلکه همان‌طور که برخی از مراجع معاصر نیز اشاره کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۴۰۲)،

بیتوته می‌تواند از باب مقدمه علمی برای درک وجوب وقوف بین الطلوعین باشد. از این رو، مانعی ندارد حج گزار، شب را در عرفات سپری کند و قبل از طلوع فجر در مشعر حاضر شود. اما از آنجا که روایت در صدد بیان و تعلیم ارکان و معالم و واجبات حج است، نمی‌توان به راحتی از آن عبور کرد؛ خصوصاً اگر نسخه تهذیب را بپذیریم؛ زیرا در این نسخه، حضرت به توقف در جایی که حج گزار شب را در آنجا بیتوته داشته، امر کرده و فرموده است: «بعد از نماز صبح در جایی که شب را بیتوته کرده‌ای بایست و چون ایستادی، حمد خدا را به جای آر و...».

با توجه به اینکه امر به دعا بعد از نماز صبح بوده و در این زمان حج گزار حتماً در سرزمین مشعر است، چنین فهمیده می‌شود که وی باید شب را در مشعر بوده باشد تا بتواند مطابق با دستور امام علیه السلام، صبحگاهان بعد از ادای فریضه صبح، مشغول دعا شود. پس در کلام امام علیه السلام، میبت در مشعر مفروغ عنه است. اما همانطور که گذشت، مفروغ بودن میبت، به خودی خود بر وجوب آن دلالت ندارد؛ بلکه از این جهت که حضرت در صدد تعلیم واجبات حج هستند، می‌توان میبت را واجب دانست؛ زیرا اگر میبت مستحب باشد و حضرت با لحاظ رویه مستمر حجاج در بیتوته و در این ظرفه بیان نحوه ادای مناسک پرداخته باشند، لازم است استحباب یا اباحه میبت را با عبارتی رسا به راوی متذکر شوند تا حج گزار در ضمن تعلیم واجبات مناسک، از مستحبات آن نیز آگاهی یابد.

بله، ممکن است گفته شود از آنجا که امر به طهارت بعد از نماز صبح و دعا خواندن امر استحبابی است، پس مفروغ بودن میبت در کلام حضرت نیز در ظرف بیان مستحبات صورت گرفته است و نمی‌توان از آن وجوب میبت را استفاده کرد.

در پاسخ می‌توان گفت: اگر اصل اولی در کلام امام علیه السلام را بر بیان واجبات حج قرار دهیم، تنها در مورد عملی از مناسک که قرینه بر استحباب آن باشد؛ مانند بقای بر طهارت بعد از نماز صبح و اشتغال به دعا، از این اصل خارج می‌شویم. از این رو، نمی‌توان میبت در مشعر را به مستحبات آن ملحق کرد.

دلیل دیگری که می‌تواند بر وجوب وقوف شبانه در مشعر، ولو فی الجمله، دلالت داشته باشد، روایاتی است که کوچ شبانه به منا را برای زنان مجاز شمرده است؛ زیرا در

برخی از این روایات که سند صحیحی نیز دارند، زنان به توقفی کوتاه در مشعر الحرام قبل از کوچ به منا امر شده‌اند^۱ و امر به توقف کوتاه مدت، با وجوب حضور شبانه در این سرزمین تناسب دارد؛ زیرا در این فرض، فرد معذور، در حد توان به وقوف در مشعر امر شده است.

با توجه به ادله‌ای که گذشت، به نظر می‌رسد قول به وجوب بیتوته در مشعر قوی باشد. به هر روی، چنانچه بیتوته در مشعر را واجب مستقل و جدای از وجوب وقوف بین الطلوعین بدانیم، مطابق با ادله، برخی از حج گزاران؛ از جمله بانوان، از این وجوب و وجوب وقوف بین الطلوعین معاف شده‌اند؛ اما چنانچه وجوب مبیت را وجوب مقدمی لحاظ کنیم، استثنای صورت گرفته تنها مربوط به توقف بین الطلوعین است و با عدم وجوب آن، مبیت در مشعر نیز واجب نخواهد بود.

نتیجه‌گیری:

با توجه به آنچه پیشتر گذشت، نتایج حاصل از پژوهش را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. فقها در مورد حکم بیتوته در مشعر بعد از نیمه شب، آرای مختلفی دارند؛ برخی به وجوب و برخی به عدم وجوب قائل‌اند؛ گروهی نیز احتیاط واجب کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد قول کسانی که مبیت در مشعر را واجب می‌دانند، به صواب نزدیک‌تر باشد؛

۱. مانند صحیحہ ابی بصیر و سعید اعرج از امام صادق علیه السلام:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَقْدَمَ النِّسَاءُ إِذَا زَالَ اللَّيْلُ فَيَقْفَنَ عِنْدَ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ سَاعَةً ثُمَّ يَنْطَلِقُوا بِهِنَّ إِلَى مَنَى فَيَرْمِينَ الْجُمْرَةَ ثُمَّ يَصْرَبْنَ سَاعَةً ثُمَّ يَقْصِرْنَ وَيَنْطَلِقْنَ إِلَى مَكَّةَ فَيَطْفَنَ إِلَّا أَنْ يَكُنَّ يَرْدُنَ أَنْ يَذْبَحَ عَنْهُنَّ فَإِنَّهُنَّ يَوْكَلْنَ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُنَّ». (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۴۷۴).

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَعَنَا نِسَاءٌ فَأَفِيضُ بِهِنَّ بَلِيلَ؟ قَالَ: نَعَمْ، تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَفِضْ بِهِنَّ بَلِيلَ...» (همان، ۱۳۶۵ ش، ص ۴۷۵).

۲. ادله‌ای که برای اثبات وجوب مبیت در مشعر ارائه شده عبارت‌اند از:
- الف) تاسی به فعل پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام، از این جهت که آنان در ادای مناسک حج، در صدد تعلیم واجبات و معالم حج بوده‌اند؛
- ب) صحیحۀ معاویة بن عمار و حماد، از حلبی، از امام صادق علیه‌السلام. در این دو روایت از عبور از مشعر و حرکت به سمت منا نهی شده که این نهی، فرع توقف و بودن در مشعر است. بنابراین، چنین استفاده می‌شود که زائر باید شب هنگام در مشعر بماند؛
- ج) صحیحۀ معاویة بن عمار از امام صادق علیه‌السلام. در این روایت، بیتوته شبانه مفروغ‌عنه در نظر گرفته شده است؛
- د) روایاتی که کوچ شبانه به منا را برای زنان مجاز شمرده است. در برخی از این روایات که سند صحیحی نیز دارند، زنان به توقفی کوتاه در مشعر الحرام قبل از کوچ به منا امر شده‌اند و امر به توقف کوتاه‌مدت با وجوب حضور شبانه در این سرزمین تناسب دارد؛ زیرا در این فرض، فرد معذور، در حد توان به وقوف در مشعر امر شده است؛
۳. ادله قابل اعتمادی که می‌تواند حکم وجوب مبیت در مشعر را پشتیبانی کند، تاسی به سیره پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام و روایاتی است که کوچ شبانه به منا را برای زنان مجاز شمرده است.

منابع:

- * قرآن کریم.
۱. حلی، (محقق)، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی المسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
۲. خمینی، روح الله (بی‌تا)، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه دارالعلم.
۳. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۱ق)، مناسک الحج، چاپ یازدهم، قم، انتشارات مهر.
۴. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق)، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

۵. صافی، لطف الله (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام.
۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تحقق حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضویه.
۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، کتاب الحج، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دار التعارف للمطبوعات.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، کافی، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. مظاهری، منصور (۱۳۹۷ش)، مناسک حج، چاپ سیزدهم، نشر مشعر.
۱۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، المقنعه، چاپ اول، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۱۲. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام، چاپ اول، بیروت، انتشارات آل البيت.
۱۳. نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، انتشارات دار احیاء تراث عربی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی